



شماره ۲۳ • پاییز و زمستان ۱۴۰۴ • سال یازدهم

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol.11, No. 23, Autumn & Winter 2026

الگوی مفهومی توانمندسازی روان‌شناختی با رویکرد جامعه‌نگر بر اساس قرآن کریم

* محمد حسن حسینی

** مسعود آذربایجانی

*** محمدرضا سالاری‌فر

*** حسن تقیان

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی و تبیین ابعاد الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر بر اساس قرآن کریم و با روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی انجام شد. پس از تحلیل کیفی داده‌ها، ابعاد و مؤلفه‌ها در قالب چهار بعد «منابع»، «زمینه‌ها»، «مؤلفه‌ها» و «پیامدها» سازماندهی گردید. منابع توانمندسازی به دو دسته پایدار و ناپایدار تقسیم شدند. زیرمقوله‌های منابع پایدار، خدای متعال منبع توانمندی، منحصر بودن منبع توانمندسازی در خدای متعال، نامحدود بودن منبع توانمندی‌های الهی، خواست و اراده الهی، منشأ تمامی توانمندی‌ها و زیرمقوله‌های منابع ناپایدار، محدودیت و نقصان توانمندی‌های مادی و دنیوی، بی‌ثباتی و زوال‌پذیری توانمندی‌های غیرالهی و نافرجام بودن توانمندی‌های ناپایدار بود. زمینه‌ها در سه بخش عوامل زمینه‌ساز شامل آگاهی به صفات خدا، درک هدف و معنای زندگی، بافتارشناسی، شناخت خود و ظرفیت‌های انسان؛ عوامل تسهیل‌گر شامل ارتباط با خدا و مهارت‌های فردی و اجتماعی؛ و عوامل تداوم‌بخش شامل پایداری در ارتباط با خدا، انسجام اجتماعی و اجرای عدالت بودند. مؤلفه‌ها نیز شامل احساس شایستگی، کنترل و تسلط، خودکارآمدی، تأثیر، تعاملات اجتماعی مثبت، پایداری در مسیر تعالی، خردمندی، نیروی محرکه روانی - معنوی، قدرت‌بخشی الهی و مسئولیت‌پذیری می‌باشند. پیامدها نیز به دو دسته فردی شامل تقوا، رضایت الهی، سبقت در کار خیر، حکمت و علم، تواضع، احساس قدرت، احساس کنترل، نشاط؛ و اجتماعی شامل مشارکت فعال در تغییر جامعه، رهبری و هدایت جامعه، جذابیت، رفتار حمایتی، توانمند شدن در حکومت‌داری، حیات طیبه، مشارکت اجتماعی، زیست مؤمنانه، اجرای عدالت، عدالت‌گستری، امانت‌داری و وفای به عهد، مسئولیت اجتماعی است. موانع فردی شامل غفلت از یاد خدا، ولایت شیطان، ضعف در ایمان، دوستی با شیطان، وابستگی به دنیا، فریفته شدن به وعده‌های شیطان، ناامیدی از رحمت الهی، شرک به خدا، جهل و ظلم و ترجیح دنیا بر آخرت است. موانع اجتماعی نیز شامل تکبر، فساد اجتماعی، نزاع و تفرقه است. **کلیدواژه‌ها:** توانمندسازی، روان‌شناسی جامعه‌نگر، قرآن کریم، تحلیل محتوای کیفی.

* دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول: mhh1779@gmail.com)

** استاد گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

*** دانشیار گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

*** استادیار گروه روان‌شناسی، جامعه المصطفی، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

مقدمه

توانمندسازی^۱ یکی از مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی است که در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است: ۱. در حوزه سازمانی به تقویت انگیزش درونی فرد پرداخته و به افزایش رضایت شغلی و عملکرد در سازمان‌ها کمک می‌کند (اسپریتزر، ۱۹۹۵)^۲؛ ۲. در حوزه بالینی و فردی که بسیاری از مباحث روان‌شناسی در حوزه پیشگیری و آموزش از جمله مهارت‌ها و بهداشت روانی مربوط به این قسم است. توانمندسازی در حوزه فردی را می‌توان به تسلط و اتکا به خود در رخدادها و تنش‌ها دانست؛ ۳. در رویکرد جامعه‌نگر، توانمندسازی روان‌شناختی، گونه‌ای تکامل یافته از مفهوم توانمندسازی روان‌شناختی است که کانون آن از فرد جدا نمی‌شود، اما در بستر جامعه و در تعامل پویا با ساختارهای اجتماعی معنا می‌یابد و بر ارتباط بین افراد و جامعه تأکید دارد (زیمرن، ۲۰۰۰^۳، ص ۵۰).

روانشناسی
پیشرفته

۱۱۰

پنجاه و نه ساله روان‌شناسی اسلامی
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

در این رویکرد، توانمندسازی صرفاً به افزایش احساس شایستگی یا کنترل شخصی محدود نمی‌شود، بلکه به منزله فرایندی چندبعدی تعریف می‌گردد که شامل رشد شناختی، هیجانی، رفتاری و ارتباطی افراد در چارچوب تعاملات اجتماعی و تلاش‌های جمعی برای بهبود شرایط زندگی و حتی تغییر نظام‌های اجتماعی و سیاسی است (کریستین، ۲۰۱۲^۴). در این راستا، توانمندسازی روان‌شناختی حاکی از باور به قدرت انسان‌ها برای آن است که نه تنها مدیر سرنوشت خویش باشند، بلکه در حیات اجتماعی خود نیز نقش آفرینی کنند (کمیناک، ۲۰۲۴^۵)؛ فرایندی که طی آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بر مسائل مورد توجه خود تسلط می‌یابند و برای تغییر آن اقدام می‌کنند (راپاپورت، ۱۹۸۷^۶).

توانمندسازی صرفاً به عنوان یک پیامد روان‌شناختی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه مفهومی دوجبهی است که هم به فرایند^۷ توانمند شدن و هم به نتایج^۸ حاصل از آن اشاره دارد. منظور از

1. Empowerment

2. Spreitzer, G. M.

3. Zimmerman, M.

4. Christens, B. D.

5. Kminiak, L.

6. Rappaport, J.

7. Process.

8. Outcome.

فرایند توانمندسازی، سازوکارها و مسیرهایی است که طی آنها فرد یا گروه به تدریج ظرفیت کنش، مشارکت و اثرگذاری اجتماعی را کسب می‌کند؛ درحالی‌که پیامدهای توانمندسازی به وضعیت‌ها و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که در نتیجه این فرایند در سطوح فردی و اجتماعی پدیدار می‌گردد (یورنته - آلونسو^۱ و همکاران، ۲۰۲۴؛ دومنیچلی، ۲۰۱۹). این مفهوم، ساختاری چندلایه و تودرتو دارد و در سطوح فردی، سازمانی و اجتماعی مطرح می‌شود؛ سطوحی که در عین تمایز، از یکدیگر جدا و مستقل نیستند (کریستین، ۲۰۱۲).

روان‌شناسی جامعه‌نگر^۲ در واکنش به فردمحوری سنتی این علم و با هدف پیوند میان رشد فردی و تغییرات اجتماعی پدید آمد (ماسکو و همکاران، ۲۰۱۷؛ تبس، ۲۰۱۶؛ هلر و تاکموتو، ۱۹۸۴؛ لوین و لوین، ۱۹۷۰؛ لوین و پرکینز، ۱۹۸۷؛ ساراسون، ۱۹۸۱؛ تریکت، ۱۹۸۴؛ واتس، ۲۰۰۰؛ والش، ۱۹۸۷، به نقل از: هاسیت، ۲۰۰۶، ص ۱۴). این شاخه سلامت روان را نه صرفاً در سطح فردی، بلکه در بستر اجتماعی، فرهنگی و ساختاری تبیین می‌کند و بر این اساس، ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها را در گرو توانمندسازی افرادی می‌داند که از طریق مشارکت اجتماعی فعال و کنش آگاهانه در جهت پیشگیری و اصلاح نظام‌های اجتماعی، در بهبود شرایط زندگی خود و دیگران نقش‌آفرینی می‌کنند (جیسون و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۳).

هدف اصلی روان‌شناسی جامعه‌نگر پیشگیری از آسیب‌ها و ایجاد تغییرات پایدار از طریق ارتقای مهارت‌ها، تقویت شبکه‌های اجتماعی، اصلاح سیاست‌ها و توسعه ظرفیت‌های محلی است (استفان^۵ و همکاران، ۲۰۲۵). در چارچوب روان‌شناسی جامعه‌نگر، انسان نه صرفاً موجودی فردی، بلکه عضوی از شبکه‌ای پیچیده از روابط اجتماعی است که در تعامل مداوم با ساختارها، نهادها و فرهنگ جامعه معنا می‌یابد؛ ازاین‌رو هر الگوی مفهومی توانمندسازی روان‌شناختی که بر مبانی روان‌شناسی جامعه‌نگر استوار باشد، باید این تعامل دوسویه و درهم‌تنیده فرد و جامعه را در نظر گیرد.

در همین راستا، جامع‌ترین الگوی توانمندسازی روان‌شناختی با رویکرد جامعه‌نگر را زیرمن

1. Llorente-Alonso.

2. Community psychology

3. Hassett, A. R.

4. Jason, L. A.

5. Stephan, J.

(۲۰۰۰) ارائه نموده است. او توانمندسازی روان‌شناختی را سازه‌ای^۱ چندبعدی معرفی کرده که از سه مؤلفه درون‌فردی،^۲ تعاملی^۳ و رفتاری^۴ تشکیل می‌شود؛ سه سطحی که به ترتیب، شناخت فرد از خود، ادراک او از نظام اجتماعی، و کنش او در جهت تغییر را دربر می‌گیرند. مؤلفه درون‌فردی به نحوه ادراک فرد از خود و احساس توانایی در کنترل شرایط اشاره دارد که شامل باور به کارآمدی شخصی، حس معنا و هدف، و اعتماد به توانایی‌های خود برای اثرگذاری بر محیط است. مؤلفه تعاملی به توانایی فرد در تحلیل ساختارهای اجتماعی و سیاسی^۵ و شناسایی روابط قدرت، نابرابری‌ها و فرصت‌های تغییر اشاره دارد. برای مثال، فرد توانمند در این مؤلفه قادر است تشخیص دهد که یک مسئله اجتماعی از چه مسیرهای نهادی، قانونی یا جمعی قابل پیگیری است، چه نهادهایی در آن نقش دارند و چه شیوه‌هایی از مشارکت اجتماعی می‌تواند به اصلاح آن منجر شود. این سطح از فهم، زمینه‌ساز گذار از شناخت به کنش اجتماعی آگاهانه بوده و پیوند مستقیمی با مؤلفه رفتاری توانمندسازی برقرار می‌کند. مؤلفه رفتاری نیز به مشارکت فرد در تصمیم‌گیری‌های جمعی، حل مسائل اجتماعی و کنش‌های مؤثر برای تغییر محیط پرداخته است (میگل^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). مدل زیمرمن با ادغام این سه مؤلفه، ماهیت چندوجهی توانمندسازی و ارتباط آن با روان‌شناسی جامعه‌نگر را برجسته می‌کند و چارچوب کاملی برای درک چگونگی کنترل زندگی و تأثیر بر محیط‌های اجتماعی فراهم می‌آورد.

در منابع اسلامی نیز، توانمندسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف تعلیم و تربیت در اسلام رشد و شکوفایی پتانسیل‌های درونی انسان‌هاست تا بتوانند به انسان‌های کامل تبدیل شوند (حنیف و موتاکین، ۲۰۱۹)^۷. بر این اساس یکی از اهداف خدای متعال از خلقت انسان، رسیدن انسان به کمال است (بقره: ۳۰)^۸. در واقع، یکی از غایات وجودی عالم هستی را می‌توان بر اساس توانمندسازی تبیین کرد (حبیبی، ۱۳۹۵)، و مسیر حرکت انسان، حرکت از نقص به کمال است (فاطر:

1. Construct

2. Intrapersonal

3. Interactional

4. Behavioral

5. sociopolitical environment

6. Miguel, M. C.

7. Hanif, M. I., & Mutakin, Z.

۸. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»

۱۵؛ انسان: ۱) ^۱ و این مسیر جز با توانمند شدن انسان طی نمی‌شود. از سوی دیگر، خدای متعال عالم به تمام ویژگی‌های مخلوقیتش است (طلاق: ۱۲؛ حجرات: ۱۶؛ بقره: ۲۸۲؛ حدید: ۳) ^۲ و اوست که می‌تواند بهترین برنامه را برای به کمال رسیدن و توانمندسازی بندگانش ارائه دهد (اسراء: ۹؛ اعلی: ۲ و ۳؛ بقره: ۲) ^۳.

ضرورت انجام این پژوهش از سه منظر علمی قابل تبیین است: نخست، رویکرد جامعه‌نگر به‌عنوان یکی از گرایش‌های نوظهور در روان‌شناسی معاصر، با تأکید بر تعامل فرد و جامعه، ظرفیت قابل توجهی برای ارتقای سرمایه روانی و اجتماعی افراد و گروه‌ها فراهم می‌سازد؛ دوم، توانمندسازی روان‌شناختی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی رشد انسانی، نقش محوری در ارتقای خودکارآمدی، تاب‌آوری و کنشگری اجتماعی ایفا کرده؛ ازاین‌رو عامل مؤثری در توسعه پایدار فردی و جمعی به‌شمار می‌رود؛ سوم، آیات قرآن کریم واجد ظرفیت معرفتی عمیق در تبیین فرایند توانمندسازی روان‌شناختی هستند و بهره‌گیری نظام‌مند از این منبع وحیانی می‌تواند زمینه‌ساز ارائه الگویی بومی، جامع و مبتنی بر مبانی اسلامی در حوزه توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر باشد.

پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی روان‌شناختی در سه سطح فردی، سازمانی و جامعه‌نگر مطالعه شده است. در سطح فردی، بسیاری از تحقیقات بر روی بهداشت روان (هایت، ۲۰۲۵؛ بری و ماردلر، ۲۰۲۴ ^۴؛ مارتین، ۲۰۲۳ ^۵؛ نوور، ۲۰۲۳ ^۶؛ مایر، ۲۰۲۳ ^۸؛ گنجی، ۱۴۳۳؛ ایتون، ۲۰۱۹ ^۹؛ شیت و رایت، ۲۰۱۷ ^{۱۰}؛ سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۳)، مهارت‌های زندگی (مادسن، ۲۰۲۵؛ وادکار، ۲۰۲۴ ^{۱۲}؛

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»؛ «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً»

۲. «أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً»؛ «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

۳. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَيِّنُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْراً كَبِيراً»؛ «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى * وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى»؛ «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»

4. Haidt, J.

4. Bray, P. G. & Maerlender, A.

6. Martin, C.

6. Nuwer, R.

8. Meyer, A.

8. Eaton, W. W.

10. Scheid, T. L. & Wright, E. R.

11. Madsen, O. J.

12. Wadkar, A.

برادلی،^۱ ۲۰۲۳؛ آنیا و گیفورد،^۲ ۲۰۲۳؛ خطیب، (۱۳۹۶)، مهارت‌های زناشویی (پیز و پیز،^۳ ۲۰۲۵؛ گاتمن و شوارتز،^۴ ۲۰۲۴؛ آرونوویتز،^۵ ۲۰۲۴؛ پرل،^۶ ۲۰۲۴؛ شرورد،^۷ ۲۰۲۴؛ سالاری‌فر،^۸ ۱۴۰۰؛ مک‌کی^۹ و همکاران، (۱۳۹۰)، تاب‌آوری (کومار،^{۱۰} ۲۰۲۵؛ رشید،^{۱۱} ۲۰۲۴؛ چتیار،^{۱۲} ۲۰۲۳؛ نینان،^{۱۳} ۲۰۲۳؛ اجلی،^{۱۴} ۲۰۲۳)، خویش‌داری و خودکنترلی (چون^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۴؛ هاگ،^{۱۶} ۲۰۲۴؛ پارسایی، ۱۳۹۹؛ رفیعی‌هنر، (۱۳۹۷)، مدیریت هیجانات منفی، مقابله با استرس (فولکن^{۱۷} و همکاران، ۲۰۲۴؛ گاودات و لاو،^{۱۸} ۲۰۲۴؛ هارپر،^{۱۹} ۲۰۲۴؛ کراس،^{۲۰} ۲۰۲۳؛ گراس و فورد،^{۲۱} ۲۰۲۳؛ سلهاب،^{۲۲} ۲۰۲۳؛ خطیب، ۱۴۰۰) متمرکز بوده است. در سطح سازمانی، مطالعات به توانمندسازی کارکنان و رهبران پرداخته‌اند و مدل‌هایی مانند مدل انگیزشی کانگر و کانونگو^{۲۳} (۱۹۸۸)، توماس و ولتهوس^{۲۴} (۱۹۹۰) و اسپریتزر (۱۹۹۵) مطرح شده است که بر تأثیر،^{۲۵} شایستگی،^{۲۶} معنا^{۲۷} و انتخاب^{۲۸} یا خودتعیین‌گری^{۲۹} تأکید دارند. شواهد تجربی متعدد نشان می‌دهد توانمندسازی در سازمان‌ها با افزایش انگیزش درونی، تعهد و عملکرد همراه است (پیترسون، ۲۰۰۵). با این حال، تمرکز غالب در این بدنه، درون‌سازمانی باقی مانده و کمتر به پیامدها و فرایندهای جامعه‌نگر می‌پردازد.

در روان‌شناسی جامعه‌نگر، توانمندسازی پلی میان رشد فردی و تغییر اجتماعی است. راپاپورت

1. Broadley, F.
2. Attia, P. & Gifford, B
3. Pease, A. & Pease, B.
4. Gottman, J. S. & Schwartz Gottman, J. S.
5. Aronowitz, M.
6. Perel, E.
7. Schroeder, R.
8. McKay, M.
9. Kumar, U.
10. Rashid, T.
11. Chettiar, S.
12. Neenan, M.
13. Edgley, R
14. Chun, K.
15. Haug, M. C.
16. Folkman, S.
17. Gawdat, M. & Law, A.
18. Harper, F. G.
19. Kross, E.
20. Gross, J. J. & Ford, B. Q.
21. Conger, Jay. A. & Kanungo, Rabindra. N.
22. Thomas, Kenneth & Velthouse, Betty. A.
23. Self – efficacy
24. Competence
25. Meaning
26. Choice
27. self-determination

(۱۹۸۷) برای تبیین توانمندسازی روان‌شناختی چهار بعد اصلی را مطرح می‌کند: ۱. خودکارآمدی^۱ (احساس توانایی در انجام موفقیت‌آمیز وظایف و اهداف): این بعد به باور فرد نسبت به توانایی خود برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف و دستیابی به اهداف اشاره دارد. خودکارآمدی به منزله اعتماد فرد به قابلیت‌های خویش در تأثیرگذاری بر نتایج زندگی است؛ ۲. خودکنترلی^۲ (احساس کنترل بر زندگی خود و توانایی مدیریت منابع و شرایط زندگی): خودکنترلی بیانگر احساس فرد نسبت به داشتن اختیار، تسلط و کنترل بر شرایط زندگی خویش است. در این حالت، فرد باور دارد که می‌تواند منابع، موقعیت‌ها و پیامدهای مربوط به زندگی‌اش را مدیریت کند و در برابر نیروهای بیرونی منفعل نیست؛ ۳. معنا^۳ و هدفمندی (احساس داشتن هدف و معنا در زندگی): احساس معنا در زندگی، یکی از عناصر محوری توانمندسازی روان‌شناختی است. فرد توانمند، زندگی خود را دارای هدف، جهت و ارزش می‌داند و فعالیت‌هایش را در راستای آن هدف معنادار می‌سازد؛ ۴. مهارت‌های مشارکت اجتماعی^۴ (توانایی و مهارت‌های لازم برای مشارکت فعال در جامعه).

توانمندسازی روان‌شناختی از نظر راپاپورت، بدون مشارکت فعال در جامعه تحقق نمی‌یابد. او بر ضرورت کسب مهارت‌های ارتباطی، گفت‌وگو، همکاری و تصمیم‌گیری جمعی تأکید دارد که به افراد امکان می‌دهد در فرآیندهای اجتماعی و نهادی مؤثرتر عمل کنند.

۱۱۵

زیمرم (۱۹۹۵؛ ۲۰۰۰) چارچوبی نظام‌مند با سه مؤلفه «درون‌فردی، تعاملی و رفتاری» ارائه کرد که تعامل مداوم آنها به مشارکت فعال می‌انجامد. هرچند مطالعاتی در این قلمرو انجام شده، اما سهم پژوهش‌ها همچنان بیشتر بر مؤلفه درون‌فردی متمرکز است (لاردیر،^۵ ۲۰۲۵؛ پلاناس - لادو،^۶ ۲۰۲۴؛ مالورنی،^۷ ۲۰۲۳؛ میسمان،^۸ ۲۰۲۲؛ چریموخین و پیترسون،^۹ ۲۰۱۴؛ کریستنس^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۲؛ پیترسون^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۶؛ یونگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ اسمیت و پراپست،^{۱۲} ۲۰۰۱؛ سیمپسون،^{۱۳} ۲۰۰۸).

1. self-efficacy

2. self control

3. Meaning

4. Social participation

5. Lardier, D. T.

6. Planas-Lladó, A.

7. Malorni, A.

8. Messman, E.

9. Cheryomukhin, A. & Peterson, N. A.

10. Christens, B. D.

11. Peterson, N. A.

12. Smith, P. D. & Propst, D. B.

13. Simpson, M.

در ایران نیز پژوهش‌هایی در حوزه آموزش اجتماع محور صورت گرفته که مؤلفه‌های زمینه‌ای، سازمانی و فردی توانمندسازی را تبیین می‌کنند (جهان‌شاهی‌فرد، ۱۳۸۹؛ شاهزاده تیمورلو و همکاران، ۱۳۹۶؛ مرادی خلیج و همکاران، ۱۴۰۱؛ کارگر و همکاران، ۱۳۹۹؛ شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۴۰۰؛ شجاعیان و شهیدی، ۱۴۰۱). بررسی پیشینه نشان می‌دهد در هیچ‌کدام از پژوهش‌ها به الگوی توانمندسازی روان‌شناختی با رویکرد جامعه‌نگر بر اساس قرآن کریم پرداخته نشده است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که ابعاد الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر بر اساس آیات قرآن کریم چیست؟

روش پژوهش

در این پژوهش، به منظور تدوین الگوی توانمندسازی روان‌شناختی با رویکرد روان‌شناسی جامعه‌نگر بر اساس قرآن کریم، از روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه تحلیل محتوای استقرایی استفاده شد. این شیوه به مثابه روشی نظام‌مند برای تفسیر داده‌های متنی، امکان استخراج مفاهیم، مقوله‌ها و الگوهای مفهومی را از دل داده‌ها و بدون تحمیل چارچوب‌های نظری پیشینی فراهم می‌کند (سیه و شانون،^۱ ۲۰۰۵). مطابق با رویکرد استقرایی در تحلیل محتوای کیفی، کدها و مقوله‌ها مستقیماً از متن داده‌ها استخراج می‌شوند و پژوهشگر با غوطه‌وری مکرر در داده‌ها، به شناسایی الگوهای معنایی و مفاهیم نهفته در متن می‌پردازد. در این شیوه، به جای استفاده از طبقات از پیش تعیین‌شده، مفاهیم در تعامل مستمر با داده‌ها و از طریق فرایند مقایسه مستمر شکل می‌گیرند (سیه و شانون، ۲۰۰۵).

آیات قرآن کریم بر اساس تحلیل محتوای آشکار و پنهان مورد بررسی قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که آیات دارای الفاظ صریح مرتبط با توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر در زمره محتوای آشکار و آیات حاوی معانی ضمنی و پیام‌های غیرمستقیم در زمره محتوای پنهان تحلیل شدند و در نهایت ۱۰۱۳ آیه استخراج شد. شناسایی آیات قرآن کریم به صورت ترکیبی از جست‌وجوی جامع و پالایش هدفمند انجام گرفت. بدین منظور، در گام نخست، کل آیات قرآن کریم به صورت خط‌به‌خط مورد بررسی قرار گرفت؛ در گام دوم، به منظور تکمیل و اطمینان از جامعیت داده‌ها، جست‌وجوی واژگانی هدفمند بر اساس واژگان مرتبط (مانند فئه، قوم، استقامت، غلبه، خلافت،

قوه، صبر، قسط، امر به معروف و نهی از منکر، تعاون، استضعاف، خوف و حزن، عدل، سعی، عزم، نصرت، امت، صبر، اصلاح و...) انجام شد؛ در گام سوم، آیات استخراج شده از دو مسیر فوق با یکدیگر تطبیق و تلفیق شدند و موارد تکراری یا فاقد دلالت مفهومی روشن حذف گردیدند. آیات قرآن کریم در دو سطح «آشکار» و «پنهان» تحلیل شدند. در سطح تحلیل آشکار، تمرکز بر دلالت‌های صریح و لفظی بود؛ از این رو واحد ثبت در این سطح «عبارت یا فراز آیه» در نظر گرفته شد و کدهای اولیه از صورت‌های زبانی آشکار استخراج گردید. در سطح تحلیل پنهان، تمرکز بر معانی ضمنی و پیام‌های غیرمستقیم مستفاد از سیاق آیه بود؛ از این رو واحد تحلیل در این سطح «مضمون» تلقی شد و کدگذاری بر مبنای مضامین برآمده از دلالت‌های ضمنی انجام گرفت؛ سپس در قالب زیرمقوله‌ها و در ادامه مقوله‌های اصلی سازمان‌دهی و تا رسیدن به ثبات مفهومی تقلیل داده شدند و در نهایت «تم» یا مقوله مرکزی شناسایی شد. جامعه بخش کیفی، تمام آیات قرآن کریم و نمونه‌گیری از نوع غیراحتمالی هدفمند بود؛ به این معنا که آیات بر اساس معیار ارتباط با مفهوم توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر و دلالت آنها بر تقویت ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی برای کنش، پایداری، اصلاح و عدالت، در چند مرحله (بررسی خطبه‌خط و بازبینی واژگانی) انتخاب شدند تا امکان فهم عمیق و جامع پدیده فراهم شود. معیارهای ورود آیات، دلالت مفهومی بر تقویت توانمندی فردی یا اجتماعی برای اثرگذاری بر جامعه و معیار خروج، فقدان ارتباط مستقیم با مضامین توانمندساز بود. برای سازمان‌دهی نهایی یافته‌ها، از الگوی پارادایمی بهره گرفته شد که در آن مقوله‌های اصلی در ارتباط با مقوله هسته در سه بخش «شرایط و بسترها»، «فرایندها و راهبردها» و «پیامدها» صورت‌بندی شدند (محمدپور، ۱۳۹۷). به منظور اطمینان از موثق بودن نتایج، از معیارهای اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری و اتکاپذیری در چارچوب رویکرد لینکلن^۱ و گابا^۲ (۱۹۸۵) استفاده شد، و ارزیابی نتایج و الگوی مفهومی توسط تیم ناظر و ۱۰ کارشناس صورت گرفت (تدلی و تشکری، ۲۰۰۹؛ محمدپور، ۱۳۹۷). معیارهای انتخاب ارزیابان شامل تخصص در حوزه روان‌شناسی و مطالعات قرآنی بود. برای سنجش روایی محتوای

1. Lincoln, Y. S.

2. Guba, E. G.

3. Teddlie, C. & Tashakkori, A.

الگو، دو شاخص «روایی محتوا» (CVI) و «نسبت روایی محتوا» (CVR) به کار گرفته شد؛ به طوری که CVI بر اساس ارزیابی چهاردرجه‌ای میزان تناسب یافته‌ها با مستندات و با آستانه پذیرش ۰/۷۹ حاسبه گردید و CVR با استفاده از فرمول لاوشه و با آستانه ۰/۶۲ برای ۱۰ داور علمی به منظور تعیین ضرورت هر مؤلفه به دست آمد (لین، ۱۹۸۶^۱، به نقل از: رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر، حاصل تحلیل استقرایی آیات قرآن کریم با هدف تبیین الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر است. مقوله‌های اصلی و تم، با دقت و روایی علمی، در ذیل چهار بعد اصلی منابع، زمینه‌ها، مؤلفه‌ها و پیامدها طبقه‌بندی و تبیین گردیدند.

منابع توانمندسازی: پیش از تبیین تحلیلی یافته‌ها، کدهای نهایی استخراج شده این بخش ارائه می‌شود. بر اساس آیات قرآن کریم فرایند توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر، بدون شناسایی و بهره‌گیری از منابعی که فرد را برای اثرگذاری بر جامعه توانمند می‌کند امکان‌پذیر نخواهد بود. منظور از منابع در این پژوهش، بنیان‌ها و ظرفیت‌هایی است که به عنوان پشته‌های روان‌شناختی در فرایند توانمندسازی، نقش ایفا می‌کنند. تحلیل کیفی انجام شده نشان می‌دهد که از دیدگاه قرآنی، منبع توانمندسازی، خدای متعال است (یس: ۸۲؛ حجر: ۲۱؛ ذاریات: ۵۸؛ اعراف: ۱۰؛ نحل: ۷۸؛ ص: ۲۰، انعام: ۱۶۴؛ بقره: ۱۶۵؛ کهف: ۳۹)؛ منبعی منحصر در خدای متعال (فاطر: ۱۵، حمد: ۷؛ آل عمران: ۱۲۶ و ۱۶۰)^۲، پایدار و نامحدود (کهف: ۸۴، طلاق: ۳)^۳ که تمامی توانمندی‌های واقعی انسان، در

1. Lynn, M. R.

۲. صاحب تفسیر المیزان ذیل این آیه تصریح می‌کند: «خدای سبحان غنی بالذات است، او می‌تواند همه انسان‌ها را از بین ببرد؛ چون از آنان بی‌نیاز است و فقر انسان، فقر بالذات است و او به هیچ منبعی جز خداوند بی‌نیاز نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۶)

۳. این آیات، با ساختارهای حصر (مانند «ما...إلا»، «إِنْ...فَلَا...») و صفاتی چون «عَزِيزٌ حَكِيمٌ»، نشان می‌دهند که خداوند تنها منبع توانمندسازی است

۴. این آیه درباره ذوالقرنین بیان شده که خداوند او را در زمین تمکین و تثبیت کرد و اسباب و وسیله (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۹۹) هر چیزی را در اختیارش قرار داد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۵۲۷). تعبیر «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» با عمومیت فراگیر خود، بر گستردگی ظرفیت‌های اعطاشده دلالت دارد. این آیه نشان می‌دهد که توانمندسازی الهی تنها محدود به یک بُعد یا یک زمینه نیست

۵. ساختار شرطیه و خبر پس از آن، نشان‌دهنده رابطه علی میان توکل به خدا و کفایت مطلق او برای انسان است. تعبیر «فَهُوَ حَشْبُهُ»، یعنی خدا برای او بس است؛ بنابراین فردی که بر خدا توکل کند، از هر منبع و واسطه دیگری بی‌نیاز خواهد شد. ←

نهایت به اراده او باز می‌گردد (آل عمران: ۴۹، بقره: ۲۴۹؛ انفال: ۶۶؛ زمر: ۶۳). این در مقابل منابع ناپایدار و موقتی دنیوی قرار می‌گیرد که محدود و ناقص (نساء: ۷۷؛ توبه: ۳۸؛ یس: ۷۴ - ۷۵؛ حج: ۷۳؛ قصص: ۸۱؛ عنکبوت: ۳۹)، زوال‌پذیر و بی‌ثبات (دخان: ۲۵ - ۲۸؛ طه: ۱۳۱؛ یونس: ۲۴؛ قصص: ۱۰) است.

→ در ادامه، با تعبیر «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» بر این نکته تأکید می‌شود که قدرت خداوند بدون مانع و محدودیت است و او هر اراده‌ای را به نقطه تحقق می‌رساند؛ همچنین «جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» بیانگر آن است که هر پدیده‌ای در نظام آفرینش، دارای اندازه و ظرفیتی خاص است، اما منبعی که این ظرفیت‌ها را تعیین و توزیع می‌کند، تنها خداوند است.

۱. حضرت عیسیٰ علیه السلام اعلام می‌کند که تمام اعمال خارق‌العاده‌اش، از جمله خلق، شفا و احیای مردگان، تنها به اذن خداوند انجام می‌گیرد. این تأکید، اثبات روشنی بر آن است که حتی پیامبران الهی نیز بدون اذن خداوند، قدرتی از خود ندارند. تکرار عبارت «باذن الله» برای رفع هرگونه توهم الوهیت یا استقلال در قدرت عیسی علیه السلام است؛ چراکه قدرت واقعی در نظام هستی فقط از آن خداست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۹۹).

۲. پیروزی گروه اندک طالوت بر سپاه بزرگ جالوت، تنها به خواست الهی رخ داد، و این آیه نشان می‌دهد که در منطق قرآن، پیروزی تابع عدد و عده نیست، بلکه تابع اذن الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۸۰).

۳. در این آیه، توانمندی جمعی نیز در نسبت مستقیم با اذن الهی قرار گرفته است، و حتی صبر و پایداری نیز زمانی اثرگذار خواهد بود که با خواست خداوند همراه گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۱۱، ص ۳۹۱).

۴. این آیات نشان می‌دهد آنچه در دنیا به‌عنوان قدرت، ثروت، یا امکانات به نظر می‌رسد، از نظر قرآن اندک و بی‌دوام است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۴۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۷۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۷۱۶).

۵. این آیات تمثیلی است از توهم توانمندی در بت‌ها یا نیروهای غیرالهی (زمخشری، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۲۹). خداوند با این بیان، قدرت‌نمایی‌های پوشالی را به چالش کشیده و نشان می‌دهد که این آلهه حتی توان دفاع از خود ندارند، چه برسد به یاری رساندن به دیگران (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۱۸، ص ۴۵۱).

۶. در این آیه مثال قرآنی روشن از ضعف انسان‌ها در برابر آفرینش خداوند تبیین شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۱۴، ص ۱۷۱).

۷. قارون مظهر ثروت توأم با غرور و خودخواهی و غفلت، فرعون مظهر قدرت استکباری توأم با شیطنیت، و هامان الگویی برای معاونت از ظالمان مستکبر بود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۱۶، ص ۲۷). به تعبیر دیگر قارون نماد قدرت اقتصادی، فرعون نماد قدرت سیاسی و هامان نماد قدرت تبلیغاتی بود (مترجمان تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۴۳۴)، اما همگی در برابر اراده خداوند نابود شدند.

۸. در این آیات سرنوشت فرعونیان - به‌عنوان نماد قدرت و ثروت مادی - توصیف شده است: کشت‌های بسیار و مقام‌های نیکو و عالی مقدار (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۱)، ساختمان‌های پسندیده و مجالس با شکوه (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۷) که ناگهان از آنان گرفته شد و به قوم دیگری واگذار شد (انصاریان، ۱۳۸۳).

۹. این آیه در تعبیری لطیف اما هشدارآمیز، متاع دنیا را «زهره الحیاة الدنیا» می‌نامد، یعنی شکوفه خوش‌رنگ. مدت زمان شکوفه‌های درخت دنیا، اعم از باغ و پست و مقام و جاه و جلال و... کوتاه است که پس از زمان کوتاهی توجه به آن، فرمان کوچیدن صادر می‌شود. درخت دنیا فقط شکوفه به بار می‌آورد نه میوه، اما «رزق رب» پایدارتر و ماندگارتر است (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۵۵، ص ۵۲۰).

۱۰. در این مثال مشبه زندگی دنیاست و وجه شبه که با حصر «انما» بیان شده، ناپایداری آن است (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۳۶، ص ۳۷۴).

(۳۷۵ -

۸۱) و نافر جام (توبه: ۲؛ فصلت: ۱۵؛ طه: ۱۳۱؛ غافر: ۸۲؛ مریم: ۷۴؛ نور: ۳۹) است.

زمینه‌های توانمندسازی: پس از شناسایی و تحلیل منابع توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر در چارچوب آیات قرآن کریم، نوبت به بررسی «زمینه‌ها» می‌رسد؛ عواملی که به‌مثابه بسترهای زمینه‌ساز، تسهیل‌گر و تداوم‌بخش در آغاز و شکل‌گیری و تداوم فرایند توانمندسازی نقش ایفا می‌کنند.

عوامل زمینه‌ساز توانمندسازی: عوامل زمینه‌ساز ناظر به دسته‌ای از عوامل معرفتی، ادراکی و انگیزشی است که زمینه آغازین برای ورود به فرایند توانمندسازی را فراهم می‌سازند. در واقع، پیش از تحقق توانمندی پایدار، نوعی آمادگی شناختی، با ریشه‌های توحیدی در انسان شکل می‌گیرد. در الگوی قرآنی، این سطح از آگاهی به‌عنوان عامل زمینه‌ای برای حضور مؤثر و اثرگذار در جامعه تلقی می‌شود. به همین دلیل، فقدان این نوع آگاهی، منجر به ضعف در جهت‌گیری، تردید در تصمیم‌گیری و ناتوانی در ایفای نقش‌های تحول‌آفرین می‌گردد. آیات کدگذاری‌شده ناظر بر درک صفات الهی (انعام: ۱۰۲؛ بقره: ۲۹؛ طلاق: ۱۲؛ آل عمران: ۲۹؛ انعام: ۱۷؛ آل عمران: ۲۶؛ بقره: ۱۰۷؛ آل عمران: ۲۶؛ انعام: ۱۷؛ حج: ۳۸؛ مائده: ۶۷؛ روم: ۴۷؛ انفال: ۷۱؛ انفال: ۲۶؛ مائده: ۱۱؛ آل عمران: ۱۶۰؛ انعام: ۱۸؛ توبه: ۲)، درک هدف و معنای زندگی^۳ (بقره: ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۹، ۴۶، ۸۱، ۸۲، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۱۰ و ۲۴۵؛ فاطر: ۱۵؛ انعام: ۳۲؛ حدید: ۲۰؛ رعد: ۲۶؛ نور: ۳۳؛ کهف: ۲۸؛ نساء: ۷۷؛ قصص: ۶۰؛ غافر: ۳۹؛ عنکبوت: ۶۴؛ قصص: ۷۷؛ توبه: ۳۸؛ ابراهیم: ۳؛ نحل: ۱۰۷؛ زلزال: ۷؛ کهف: ۳۰؛ حشر: ۳؛ نازعات: ۲۵؛ توبه: ۶۳؛ آل عمران: ۱۰۷؛ اعراف: ۴۲؛ یونس: ۲۶؛ هود: ۲۳؛ زخرف: ۷۴؛ آل عمران: ۵۵، ۸۳ و ۱۰۹؛ مائده: ۴۸ و ۱۰۵؛ انعام: ۱۰۸ و ۱۶۴؛ انفال: ۴۴؛ یونس: ۴، ۲۳ و ۵۶؛ هود: ۴ و ۱۲۳؛ مریم: ۴۰ و...) بافتارشناسی^۴ (فرقان: ۶۳؛ یوسف: ۵؛ بقره: ۱۰۴؛

۱. قوم عاد در کمال غفلت بدیهی‌ترین حقیقت را فراموش کردند. آنان به خاطر غرورشان توجه نکردند که خالق آنها از خودشان قوی‌تر است و همین غرور عامل هلاکشان شد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۲۳۱). بنابراین از منظر قرآن، هر قدرت مادی یا انسانی که رودرروی قدرت مطلق الهی قرار گیرد، قطعاً شکست‌پذیر است و به‌ظاهر توانمندی‌ها در برابر خداوند تاب مقاومت ندارند

۲. فرد کافر تشنه سعادت است، اما به‌جای نوشیدن از آب زلالی که در کنار اوست، چشم به سراب دوخته و می‌پندارد از آن سراب خواهد شد، غافل از اینکه جز سراب هیچ نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۸)

۳. آیاتی که نگرش انسان را نسبت به مسیر زندگی و غایت آن شکل می‌دهند تا در میان انگیزه‌ها و کنش‌های متنوع زندگی دنیوی، مسیری متعالی و جهت‌مند اتخاذ کند و یک زیست مسئولانه و معنادار داشته باشد

۴. بر اساس دیدگاه‌های قرآنی، می‌توان غایت هستی را در چارچوب توانمندسازی انسان برای سیر تکاملی او تفسیر کرد (حبیبی، ۱۳۹۵)

۵. حرکت انسان در نظام خلقت، سیر از فقر ذاتی و نقصان اولیه به‌سوی غنا، شکوفایی و کمال است

۶. این مؤلفه به توانایی فرد در درک شرایط، تفاوت‌ها و پیچیدگی‌های محیط اجتماعی اشاره دارد. چنین درکی، توانایی تصمیم‌گیری به‌هنگام، انتخاب وسایل درست و پرهیز از وابستگی‌های ناپایدار را در مسیر توانمندسازی تضمین می‌کند

انعام: ۱۰۸؛ حجرات: ۱۳؛ یوسف: ۱۰۸؛ فرقان: ۲۰؛ انعام: ۶۵؛ انفال: ۲۹؛ ص: ۲۰ (شناخت خود و ظرفیت‌های انسان^۵ (بقره: ۳۰؛ تین: ۴؛ شمس: ۷؛ اسراء: ۷۰؛ نساء: ۲۸؛ روم: ۵۴؛ احزاب: ۷۲؛ ابراهیم: ۳۴؛ کهف: ۵۴؛ نحل: ۴؛ اسراء: ۱۱؛ هود: ۹ و ۱۰؛ اسراء: ۱۰۰؛ معارج: ۱۹؛ اسراء: ۸۴) که ساختارشناختی انسان را به سمت معنا، انسجام درونی و آمادگی برای ایفای نقش‌های اجتماعی سوق می‌دهد.

در الگوی استخراج‌شده از تحلیل متنی آیات قرآن کریم، عوامل تسهیل‌گر به‌منزله عواملی شناخته می‌شوند که مسیر توانمندسازی را به‌عنوان تقویت‌کننده و شتاب‌دهنده حرکت فرد در مسیر رشد، پایداری و تأثیرگذاری اجتماعی مشخص می‌کنند.

از منظر قرآن کریم، یکی از عوامل تسهیل‌گر در فرایند توانمندسازی، ارتباط با خداوند است (رعد: ۲۸؛ بقره: ۱۵۲؛ آل عمران: ۱۷۳؛ طلاق: ۳).

۱. هدف از اینکه مردم را شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله قرار دادیم، همین (شناخت و تعامل اجتماعی) است، نه تفاخر به نسب و پدر و مادر (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۲۶)
۲. رهبری که به دنبال اثربخشی اجتماعی است، باید دارای بصیرت و بینایی و آگاهی کافی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۹۵)
۳. فرقان در آیه مورد نظر، گسترده‌ترین مفهوم تمییز و تمایز میان همه اشکال حق و باطل را دربر می‌گیرد؛ چراکه انسان‌ها در تمام ابعاد زندگی خود به چنین توانمندی تشخیصی نیازمندند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۷۱)
۴. علامه طباطبایی در توضیح واژه «فصل الخطاب» آن را توانایی تجزیه و تحلیل کلام و تمایز نهادن میان بخش حق و ناحق آن می‌داند و این معنا با قضاوت صحیح در بین دو نفر متخاصم نیز منطبق است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۹۰)
۵. این بخش، بر اساس آموزه‌های قرآنی به ماهیت انسان و جایگاه وی در نظام خلقت شکل گرفته است. انسان موجودی است با ساختاری منظم و منسجم، دارای ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌هایی که شناخت دقیق آنها، پایه و اساس حرکت آگاهانه و مسئولانه در مسیر کمال و تعالی است. قرآن کریم انسان را خلیفه خدا در زمین معرفی می‌کند و این جایگاه مسئولیتی عظیم و هم‌زمان زمینه‌ساز توانمندی و اثرگذاری بر جامعه است
۶. خلیفه بودن انسان بیانگر ظرفیت ویژه‌ای است که در وی نهاده شده و نشان‌دهنده توانمندی بالقوه‌ای است که انسان می‌تواند با آگاهی و مسئولیت‌پذیری به فعلیت برساند. مقام خلافت، همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، تحقق نمی‌یابد، مگر زمانی که خلیفه به‌عنوان نماینده مستخلف، تمام شئون وجودی، آثار، احکام و تدابیر او را به‌درستی به نمایش گذارد؛ البته منظور آن دسته از شئون و آثار و احکام و تدابیری است که به‌منظور تأمین آنها خلیفه و جانشین برای خود تعیین شده است. خداوند سبحان که مستخلف این مقام است، در ذات خویش مصداق اسمای حسنی بوده و متصف به صفات عالی جمال و جلال است، ذاتش منزّه از هرگونه نقص و عیب، و افعالش مقدس و مبرا از هر شر و فساد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۵).
۷. نکره بودن کلمه نفس دلیل بر این است که آن‌قدر این خلقت اهمیت دارد که قابل تعریف و توصیف نیست، و اینکه این خلقت را خبری هست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۹۹). به‌طورکلی، قرآن انسان را مخلوقی با تعادل اولیه می‌داند که نظام ارزشیابی قوی و پیچیده‌ای (شناختی، عاطفی، ادراکی، معنوی)، او را برای طی مسیر سلامت یا اختلال روانی - معنوی حمایت و هدایت می‌کند (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین انسان بر اساس توازن در اعضا و قوای ظاهری و باطنی که دارد برای حرکت به‌سوی کمال طراحی شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۵۹).

از دیگر عوامل تسهیل‌گر، مهارت‌های فردی و اجتماعی است که شامل حفظ اعتدال و دوری از افراط و تفریط (بقره: ۱۴۳، مائده: ۶۶)، عفو و گذشت (آل عمران: ۱۵۹؛ نور: ۲۲؛ مائده: ۱۳؛ تغابن: ۱۴)، تعامل اجتماعی (قصص: ۳۴؛ طه: ۲۷ و ۲۸؛ نحل: ۱۲۵؛ آل عمران: ۱۵۹؛ حجرات: ۱۰؛ نجم: ۳۹؛ رعد: ۱۱؛ بقره: ۲۱۶)، کار تشکیلاتی و جمعی (سبا: ۴۶؛ قصص: ۳۵؛ حجرات: ۱۰)، مدیریت زمان (شرح: ۷)، سعی و تلاش (نجم: ۳۹)، اراده (رعد: ۱۱)، قاطعیت (آل عمران: ۱۵۹)، شناخت خیر و شر واقعی (بقره: ۲۱۶)، الگو داشتن (احزاب: ۲۱) و نرم‌خو بودن (آل عمران: ۱۵۹) است.

همچنین پایداری در ارتباط با خدا (بقره: ۲۵۰؛ آل عمران: ۸)، اجرای عدالت (نحل: ۹۰؛ اعراف: ۲۹؛ مائده: ۸، نساء: ۱۲۵) و انسجام اجتماعی (آل عمران: ۱۰۳؛ انفال: ۶۳) از عوامل تداوم‌بخش توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر است.

موانع توانمندسازی: یکی از یافته‌های پژوهش حاضر آن است که توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر، صرفاً در پرتو عوامل مثبت و زمینه‌ساز محقق نمی‌شود، بلکه موانعی در سطح فردی و اجتماعی می‌توانند این فرایند را به شدت مختل کرده یا مسیر آن را منحرف سازند.

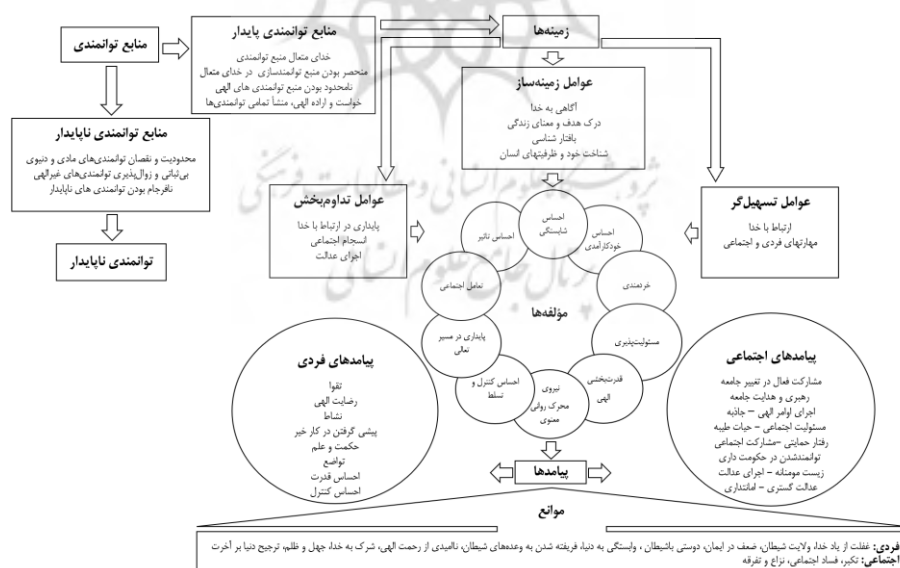
موانع فردی شامل غفلت از یاد خدا (طه: ۱۲۴؛ اعراف: ۱۷۶)، ولایت شیطان (آل عمران: ۱۷۵؛ نساء: ۱۱۹)، ضعف در ایمان (انفال: ۶۶)، دوستی با شیطان (نساء: ۱۱۹)، وابستگی به دنیا (توبه: ۳۸؛ ابراهیم: ۳)، فریفته شدن به وعده‌های شیطان (نساء: ۱۲۰)، ناامیدی از رحمت الهی (هود: ۹)، شرک به خدا (لقمان: ۱۳، حج: ۷۳)، جهل و ظلم (احزاب: ۷۲) و ترجیح دنیا بر آخرت (ابراهیم: ۳) است. موانع اجتماعی نیز شامل تکبر (اعراف: ۱۲، ۱۳ و ۱۴۶)، فساد اجتماعی (قصص: ۸۳)، نزاع و تفرقه (انفال: ۴۶) است.

مؤلفه‌های توانمندسازی: در این بخش، مؤلفه‌های الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر بر اساس آیات قرآن کریم، به صورت اجمالی معرفی می‌شوند. شکل (۳) مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر بر اساس قرآن کریم را نشان می‌دهد. این مؤلفه‌ها شامل احساس شایستگی (بقره: ۲۴۷؛ اعراف: ۱۷۶؛ یوسف: ۵۶؛ قصص: ۱۴؛ مجادله: ۱۱؛ اسراء: ۷۰)، احساس کنترل و تسلط (طلاق: ۳؛ آل عمران: ۱۶۰)، احساس خودکارآمدی (احزاب: ۷۲)، احساس تأثیر (انفال: ۵۳؛ رعد: ۱۱)، تعاملات اجتماعی مثبت (بقره: ۸۳؛ طه: ۴۴؛ نساء: ۵ و ۸۴؛ نحل: ۱۲۵)، پایداری در مسیر تعالی (حمد: ۷؛ احقاف: ۱۳)، خردمندی (نحل: ۱۲۵)، نیروی محرک

روانی - معنوی (آل عمران: ۱۲۹ و ۱۷۳؛ طلاق: ۳)، قدرت بخشی الهی (فاطر: ۱۵؛ محمد: ۷) و مسئولیت پذیری (بقره: ۶۳؛ مدثر: ۳۸) است.

پیامدهای توانمندسازی: آخرین مقوله اصلی این پژوهش، «پیامدها» است که شامل دو زیر مقوله پیامدهای فردی و اجتماعی می شود. پیامدها در الگوی توانمندسازی روان شناختی جامعه نگر، به نتایج و ثمرات نهایی فرایند توانمندسازی روان شناختی اشاره دارد. در پرتو تعالیم قرآن کریم، پیامدهای فردی ناشی از توانمندسازی روان شناختی جامعه نگر شامل دستیابی به تقوا (انفال: ۲۹؛ زمر: ۶۱؛ اعراف: ۳۵)، مشارکت در فعالیت های خیرخواهانه (آل عمران: ۱۱۴) و بلوغ فکری (قصص: ۱۴؛ ص: ۲۰) است. حیات طیبه (نحل: ۹۷)، عدالت گستری (نحل: ۷۶)، زیست مؤمنانه (آل عمران: ۱۱۰)، رفتار حمایتی (بقره: ۲۶۲ و ۲۷۴)، جاذبه میان فردی (مریم: ۹۶) و حکمرانی صالحین (نور: ۵۵) از پیامدهای اجتماعی توانمندسازی روان شناختی جامعه نگر بر اساس آیات قرآن کریم است.

در نهایت، بر مبنای مقوله های پیش گفته، الگوی توانمندسازی روان شناختی جامعه نگر بر اساس آیات قرآن کریم در شکل (۱) نمایش داده شده است.



شکل ۱: الگوی توانمندسازی روان شناختی جامعه نگر بر اساس قرآن کریم

به منظور ارزیابی و اعتبارسنجی الگوی توانمندسازی روان‌شناختی با رویکرد جامعه‌نگر بر اساس آیات قرآن کریم، از نظرات تخصصی ۱۰ نفر از خبرگان حوزه‌های مرتبط با موضوع پژوهش استفاده شد. این افراد بر اساس معیارهای هدفمند (مبتنی بر تخصص علمی، سوابق پژوهشی و آشنایی با موضوعات روان‌شناسی اسلامی و تحلیل مفاهیم قرآنی) انتخاب شدند. اطلاعات جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های تخصصی این صاحب‌نظران در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های تخصصی کارشناسان بخش تدوین الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر (N=10)

شاخص	تعداد	درصد
تحصیلات حوزوی	سطح ۳	۷۰
	سطح ۴	۳۰
	دانشجوی دکتری روان‌شناسی	۲۰
تحصیلات دانشگاهی	دانش آموخته دکتری روان‌شناسی	۷۰
	کارشناسی ارشد روان‌شناسی	۱۰
	استاد تمام	۱۰
رتبه علمی	دانشیار	۱۰
	استادیار	۲۰
	مربی	۶۰



۱۲۴

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

بر اساس اطلاعات جدول (۱)، از میان ۱۰ کارشناس مشارکت‌کننده در بخش تدوین الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر، ۷ نفر (۷۰ درصد) دارای تحصیلات حوزوی سطح ۳ و ۳ نفر (۳۰ درصد) دارای تحصیلات حوزوی سطح ۴ بودند؛ همچنین ۲ نفر (۲۰ درصد) از این کارشناسان دانشجوی دکتری روان‌شناسی و ۷ نفر (۷۰ درصد) دارای مدرک دکتری روان‌شناسی و یک نفر (۱۰ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی بودند. از نظر مرتبه علمی، ۱ نفر (۱۰ درصد) دارای مرتبه استادتمامی، ۱ نفر (۱۰ درصد) دارای مرتبه دانشیاری، ۲ نفر (۲۰ درصد) دارای مرتبه استادیاری و ۶ نفر (۶۰ درصد) دارای مرتبه مربی بودند.

در جدول ذیل به بررسی میزان تناسب مقوله اصلی با زیر مقوله از دیدگاه کارشناسان می‌پردازیم.

جدول ۳: میزان ضرورت و ارتباط ابعاد اصلی

CVI	CVR	مقوله اصلی	زیرمقوله
۰/۹۰	۱	توانمندی‌های پایدار	خدای متعال منبع توانمندی
		منابع توانمندسازی	منحصر بودن منبع توانمندسازی در خدای متعال
			نامحدود بودن منبع توانمندی‌های الهی
			خواست و اراده الهی، منشأ تمامی توانمندی‌ها
		توانمندی‌های ناپایدار	محدودیت و نقصان توانمندی‌های مادی و دنیوی
			بی‌ثباتی و زوال‌پذیری توانمندی‌های غیرالهی
			نافرجام بودن توانمندی‌های ناپایدار
		عوامل زمینه‌ساز	آگاهی به صفات خدا
	۱	زمینه‌های توانمندسازی	درک هدف و معنای زندگی
			بافتارشناسی
			شناخت خود و ظرفیت‌های انسان
		عوامل تسهیل‌کننده	ارتباط با خدا
			مهارت‌های فردی و اجتماعی
		عوامل تداوم‌بخش	پایداری در ارتباط با خدا
			انسجام اجتماعی
			اجرای عدالت
		مؤلفه‌های توانمندسازی	احساس شایستگی
	۱		احساس کنترل و تسلط
			احساس خودکارآمدی
			احساس تأثیر
			تعامل اجتماعی مثبت
			پایداری در مسیر تعالی
			خردمندی
			نیروی محرک روانی - معنوی
			قدرت‌بخشی الهی
			مسئولیت‌پذیری
	۱	پیامدهای توانمندسازی روان‌شناختی	پیامدهای فردی
			پیامدهای اجتماعی
۰/۹۷۵	۱		میانگین

بر اساس جدول (۲)، میانگین CVI برابر با ۰/۹۷۵ است که نشان‌دهنده روایی محتوایی مطلوب است. این مقدار بالاتر از آستانه قابل قبول (۰/۷۹) قرار دارد و نشان‌دهنده توافق قوی میان کارشناسان است.

همچنین نتایج محاسبه‌شده برای CVR تمامی مقوله‌های اصلی منابع توانمندسازی، مؤلفه‌ها، زمینه‌ها و پیامدها برابر با ۱/۰۰ است. این نتایج نشان‌دهنده این است که تمامی مفاهیم این مقوله‌ها برای تمام کارشناسان ضروری ارزیابی شده‌اند و در ارزیابی‌های کارشناسی، اجماع کامل در مورد اینکه مفاهیم مطرح‌شده به‌طور اساسی و ضروری برای الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر هستند، وجود داشته است.

در نهایت در جدول ذیل به بررسی میزان تناسب تم با مقوله اصلی از دیدگاه کارشناسان می‌پردازیم.

جدول ۴: میزان ضرورت و ارتباط الگو

مقوله اصلی	تم	CVR	CVI
منابع توانمندسازی روان‌شناختی	الگوی توانمندسازی	۱	۱
زمینه‌های توانمندسازی روان‌شناختی	روان‌شناختی جامعه‌نگر بر		
مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی	اساس آیات قرآن کریم		
پیامدهای توانمندسازی روان‌شناختی			

بر اساس جدول (۳)، تم این پژوهش دارای CVR برابر ۱/۰۰ هستند، و به این معناست که تم این پژوهش توسط تمامی کارشناسان به‌عنوان ضروری ارزیابی شده‌اند؛ همچنین CVI نیز برابر ۱/۰۰ است که به معنای تناسب مقولات اصلی با تم است؛ بنابراین میزان تناسب هر مقوله اصلی با تم مطالعه تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌منظور تحقق هدف پژوهش، یعنی تدوین الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر بر اساس آیات قرآن کریم، از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی استفاده شد؛ به‌گونه‌ای که ۱۰۱۳ کد اولیه در قالب ۲۳۵ مفهوم مضمونی و سپس در ۳۰ زیرمقوله سامان یافت و در نهایت در چهار بعد مفهومی انتزاع گردید. الگوی حاصل پس از اعتبارسنجی توسط ۱۰ نفر از خبرگان و اصلاحات لازم، به‌عنوان نسخه نهایی الگو تدوین شد و مبنای طراحی بسته آموزشی و آزمون اثربخشی در مراحل بعدی پژوهش قرار گرفت.

در پاسخ به سؤال پژوهش که به دنبال چیستی ابعاد الگوی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر بر اساس قرآن کریم بود، این الگو در چهار بعد کلان «منابع»، «زمینه‌ها»، «مؤلفه‌ها» و

«پیامدها» سازمان‌دهی شد. منابع توانمندسازی به دو دسته پایدار (با تمرکز بر خداوند به عنوان منبع مطلق، منحصر، نامحدود و وابستگی توانمند شدن به اراده الهی) و ناپایدار (مانند منابع مادی و دنیوی که محدود، زوال‌پذیر و نافرجام هستند) تقسیم می‌شوند. زمینه‌ها شامل عوامل زمینه‌ساز (مانند آگاهی به صفات خدا، درک هدف زندگی، بافتارشناسی و شناخت خود)، تسهیل‌گر (ارتباط با خدا و مهارت‌های فردی - اجتماعی) و تداوم‌بخش (پایداری در ارتباط با خدا، اجرای عدالت و انسجام اجتماعی) هستند. مؤلفه‌های توانمندسازی شامل احساس شایستگی، احساس کنترل و تسلط، احساس خودکارآمدی، احساس تأثیر، تعاملات مثبت، پایداری در تعالی، خردمندی، نیروی محرک روانی - معنوی، قدرت‌بخشی الهی و مسئولیت‌پذیری می‌شوند. پیامدها در سطح فردی (مانند تقوا، رضایت الهی، تواضع، حکمت و علم، احساس کنترل و تسلط) و اجتماعی (مانند حیات طیبه، مشارکت اجتماعی، عدالت‌گستری، زیست مؤمنانه، رفتار حمایتی، رهبری و هدایت جامعه، مسئولیت اجتماعی) ظاهر می‌گردند.

یکی از الگوهای مطرح و پرکاربرد در حوزه توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر، الگویی است که توسط زیمرمن (۱۹۹۵) ارائه شده است. وی در نظریه خود، توانمندسازی روان‌شناختی را سازه‌ای چندبعدی معرفی می‌کند که شامل سه بعد اصلی درون‌فردی، تعاملی و رفتاری است. این سه‌گانه، مبنای بسیاری از پژوهش‌های بعدی در این حوزه قرار گرفته است. در الگوی استخراج‌شده از آیات قرآن کریم، مقایسه با الگوی زیمرمن نه در سطح «ابعاد کلان»، بلکه در سطح مؤلفه‌های توانمندسازی معنا پیدا می‌کند. بر این اساس، مؤلفه‌هایی نظیر احساس شایستگی، احساس کنترل و تسلط، احساس خودکارآمدی و احساس تأثیر، با مؤلفه درون‌فردی زیمرمن هم‌پوشانی مفهومی دارند؛ با این تفاوت که در الگوی قرآنی، این ادراکات صرفاً مبتنی بر ارزیابی‌های ذهنی فرد نیستند، بلکه ریشه در اتصال معرفتی و وجودی فرد با منبع الهی قدرت دارند؛ امری که به پایداری و عمق این مؤلفه‌ها می‌انجامد. در سطح مؤلفه تعاملی، مؤلفه‌هایی مانند تعاملات اجتماعی مثبت، خردمندی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، با تأکید زیمرمن بر تحلیل ساختارهای اجتماعی و روابط قدرت قابل مقایسه‌اند. باین حال، الگوی قرآنی این بعد را صرفاً به «شناخت محیط» محدود نمی‌کند، بلکه آن را با تعهد اخلاقی، عدالت‌محوری و جهت‌گیری الهی در کنش اجتماعی پیوند می‌زند. در نهایت، مؤلفه‌هایی چون مشارکت فعال، پایداری در مسیر تعالی و قدرت‌بخشی الهی، در نسبت با مؤلفه رفتاری زیمرمن قابل تحلیل‌اند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی قرآنی، مؤلفه‌های سه‌گانه زیمرمن را پوشش می‌دهد، اما با افزودن لایه

معنوی، غایت‌مند و پایداری‌بخش، تصویری عمیق‌تر و فرایندی‌تر از توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر ارائه می‌کند.

یکی از تفاوت‌های دیگر الگوی این پژوهش با الگوی زیمرمن در نگرش به پایداری توانمندسازی است. مقایسه الگوی قرآنی این پژوهش با الگوی زیمرمن، بر پایه وحدت موضوعی «توانمندسازی روان‌شناختی در بستر اجتماعی» انجام شده است. هر دو رویکرد توانمندسازی را فرایندی پویا و مبتنی بر تعامل فرد و جامعه می‌دانند. با این حال، تفاوت اصلی آنها در سطح تحلیل و مبنای نظری است. زیمرمن تغییر‌پذیری توانمندسازی را به نوسان در ادراک، تحلیل و کنش فرد نسبت به شرایط اجتماعی نسبت می‌دهد و آن را امری ناپایدار تلقی می‌کند. در مقابل، الگوی قرآنی ضمن پذیرش پویایی در مؤلفه‌ها و کنش‌ها، منبع و جهت‌گیری توانمندسازی را ثابت می‌داند و تغییر را به صورت حرکت تدریجی و روبه رشد انسان در مسیر کمال تبیین می‌کند؛ از این‌رو تفاوت دو الگو ناشی از تفاوت در منطق تغییر و مبنای انسان‌شناختی و غایت‌شناختی آنهاست.

در این میان، راپاپورت در دهه ۱۹۸۰، مفهوم توانمندسازی را به عنوان یکی از ارکان اصلی در روان‌شناسی جامعه‌نگر مطرح و بر خودکارآمدی، خودکنترلی، معنا و هدفمندی، و مهارت‌های مشارکت اجتماعی تأکید کرد و آن را پیونددهنده رشد فردی و کنش اجتماعی می‌داند. در مقایسه با نظریه راپاپورت، مؤلفه‌های استخراج‌شده در الگوی قرآنی، هم‌پوشانی مفهومی نسبی با این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهند. در بعد خودکارآمدی، مؤلفه‌هایی مانند احساس شایستگی، احساس خودکارآمدی و احساس تأثیر با تأکید راپاپورت بر باور فرد به توانایی اثرگذاری بر زندگی هم‌راستا است؛ با این تفاوت که در الگوی قرآنی، منشأ این توانایی صرفاً درونی نیست و به قدرت بخشی الهی پیوند می‌خورد. در بعد خودکنترلی، مؤلفه‌هایی نظیر احساس کنترل و تسلط و مسئولیت‌پذیری با مفهوم کنترل فردی در نظریه راپاپورت قابل تطبیق‌اند؛ با این تمایز که در الگوی قرآنی، کنترل فردی در چارچوب التزام اخلاقی و عبودیت آگاهانه معنا می‌یابد، نه خودبستگی فردی. در بعد معنا و هدفمندی، مؤلفه‌هایی چون خردمندی و نیروی محرک روانی - معنوی کارکردی مشابه نقش معنا در نظریه راپاپورت دارند، اما در الگوی قرآنی، معنا ماهیتی غایت‌مند و متعالی دارد و به هدف نهایی زندگی انسانی جهت می‌دهد. در نهایت، در بعد مشارکت اجتماعی، مؤلفه‌هایی مانند تعاملات اجتماعی مثبت، با تأکید راپاپورت بر کنش جمعی همسو هستند؛ با این تفاوت که در الگوی قرآنی، مشارکت اجتماعی نه صرفاً ابزار تغییر، بلکه بخشی از تحقق عدالت و

حیات طیبه تلقی می‌شود.

همچنین مقایسه الگوی قرآنی توانمندسازی روان‌شناختی جامعه‌نگر با نظریه اسپریتزر (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که این دو الگو در سطح مفهومی، اشتراکات معناداری دارند. در نظریه اسپریتزر، توانمندسازی روان‌شناختی چهار مؤلفه اصلی دارد: معنا، شایستگی، خودمختاری و اثرگذاری. در الگوی قرآنی نیز بر این مؤلفه‌ها تأکید شده است. در نتیجه، هر دو رویکرد توانمندسازی را حالتی درونی و ذهنی می‌دانند که به رفتار معنادار و مسئولانه منجر می‌شود.

به‌طورکلی، درحالی‌که نظریه راپاپورت، زیمرمن و اسپریتزر مبتنی بر اومانیزم و فردگرایی سکولار است، الگوی قرآنی توانمندسازی، انسان را در نسبت با خالق و اتصال به او تعریف کرده، و هدف نهایی را قرب الهی و اقامه عدالت الهی می‌داند. این تفاوت‌ها در مبانی معرفت‌شناختی و غایات توانمندسازی، موجب شکل‌گیری رویکردهای متفاوتی در تعریف و تبیین مفهوم توانمندسازی می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحرير و التنویر. بیروت: فرهنگ نشر نو.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحيط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳). ترجمه قرآن کریم. قم: اسوه.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، ۳(۲)، ۵-۳۲.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- پارسایی، حمید (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی یاد خدا بر خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی و روان‌شناختی. پایان‌نامه دکتری تخصصی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد اردبیل. دانشکده علوم پایه.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۵). درمان چندبعدی معنوی: امکان تبیین پدیده‌های روانی (سلامتی و اختلال) با سازه‌های معنوی شخصیت بر اساس منابع دینی. روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۴(۲)، ۱۷۳-۱۸۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸). کرامت در قرآن. رجا.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
جهان‌شاهی‌فرد، سعید (۱۳۸۹). روان‌درمانی اجتماعی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

حبیبی، حمید (۱۳۹۵). توانمندسازی و امنیت فرد و جامعه از دیدگاه قرآن کریم. انسان‌پژوهی دینی، ۱۳ (۳۶)، ۱۹۷ - ۲۲۶.

خطیب، سیدمهدی (۱۳۹۶). مهارت‌های زندگی. قم: دار الحدیث.
خطیب، سیدمهدی (۱۴۰۰). طراحی و امکان‌سنجی الگوی مقابله دینی با تنیدگی بر اساس قرآن کریم. پایان‌نامه دکتری تخصصی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۷). الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی بر اساس منابع اسلامی: تدوین مدل مفهومی، طرح‌نمای درمان و مطالعه امکان‌سنجی و نتایج اولیه آن. رساله دکتری روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

زمخشری، محمود بن عمرو (۱۹۹۲). التفسیر الکبیر. دار الفکر
سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
شاهزاده تیمورلو، حوریه؛ خدایاری، عباس؛ نوربخش، مهوش و علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۹). طراحی الگوی توانمندسازی معلمان تربیت بدنی با رویکرد سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۸ (۱۸)، ۹۱-۱۱۲.

شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). تفسیر اثنا‌عشری. تهران: میقات.
شجاعیان، سعیده و شهیدی، نیما (۱۴۰۱). ارزیابی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روان‌شناختی معلمان دوره ابتدایی به‌منظور ارائه یک مدل. مطالعات آموزشی، ۶۰ (۲)، ۳۳-۶۱.

شیخ‌الاسلامی، ناصر؛ اولادیان، سیده معصومه و بختیاری، ابوالفضل (۱۴۰۰). ارائه مدل توانمندسازی معلمان ابتدایی مبتنی بر رویکرد درس‌پژوهی (مورد مطالعه شهر تهران). توسعه آموزش جندی‌شاپور، ۱۲ (ویژه‌نامه)، ۱۰۸ - ۱۱۹.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۸). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
عادل مهربان، مرضیه (۱۳۹۵). مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش. اصفهان:
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. قم: صدر.
قوشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
قوامی، صمصام الدین (۱۳۹۰). مبانی توانمندسازی در اسلام با رویکرد توانمندسازی پلیس.
مدیریت در اسلام، ۱۵(۱۶)، ۸۵ - ۱۳۰.

کارگر، فرزانه؛ فرحبخش، سعید و ستار، آریتا (۱۳۹۹). ارائه مدل توانمندسازی مدیران مدارس
ابتدایی: یک پژوهش کیفی. مدیریت مدرسه، ۸(۱)، ۲۱۸ - ۲۳۰.

مترجمان (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
محمدپور، احمد (۱۳۹۷). ضد روش. قم: لوگوس.

مرادی خلج، محمد؛ صیادی، سعید؛ سلاجقه، سنجر و شکوه، زهرا (۱۴۰۱). طراحی الگوی
توانمندسازهای مدیریت دانش مبتنی بر مبانی اسلامی در آموزش و پرورش شهر کرمان.
جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۱)، ۱۱۳۵ - ۱۱۵۶.

مشکینی، علی (۱۳۸۱). ترجمه قرآن. قم: الهادی.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. تهران: دار القرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و
معارف اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۶). تفسیر نمونه. قم: دار الکتب الاسلامیه.
مک‌کی، متیو؛ فانینگ، پاتریک و پالگ، کیم (۱۳۹۰). مهارت‌های زندگی زناشویی. ترجمه
شمس الدین حسینی و الهام آرام‌نیا. تهران: نسل نواندیش.

Attia, P. & Gifford, B. (2023). Outlive: The science and art of longevity. Harmony
Books.

Bengtsson, Mariette. (2016). How to plan and perform a qualitative study using
content analysis. *NursingPlus Open*, 2, 8-14.



۱۳۱

- Bray, P. G. & Maerlender, A. (Eds.) (2024). Adolescent public mental health: Why systems need changing and how a public mental health approach can work. Springer.
- Broadley, F. (2023). Supporting life skills for children and young people with vision impairment and other disabilities: A middle childhood habilitation handbook (1st ed.). Routledge.
- Calvès, A. E. (2009). Empowerment: The history of a key concept in contemporary development discourse. *Revue Tiers Monde*, 200(4), 735-749.
- Cherry, Kendra. & Mattiuzzi, Paul. G. (2010). The Everything Psychology Book: Explore the human psyche and understand why we do the things we do. Simon and Schuster.
- Cheryomukhin A., Peterson N. A. (2014). Measuring relational and intrapersonal empowerment: Testing instrument validity in a former soviet country with a secular Muslim culture. *American Journal of Community Psychology*, 53, 382-393.
- Chettiar, S. & Terte, I. (2024). The Psychological Resilience Treatment Manual: An Evidence-Based Intervention Approach. Routledge. The Psychological Resilience Treatment Manual.
- Christens B. D. & Peterson, N. A. (2012). The role of empowerment in youth development: A study of sociopolitical control as mediator of ecological “systems” influence on developmental outcomes. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(5), 623-635.
- Christens, B. D. (2012). Targeting empowerment in community development: A community psychology approach to enhancing local power and well-being. *Community Development Journal*, 47(4), 538-554.
- Chun, K. M., Moos, R. H. & Cronkite, R. C. (Eds.). (2024). Handbook of

Multicultural Perspectives on Stress and Coping. Springer.

Conger, Jay. A & Kanungo, Rabindra. N. (1988). The empowerment process: Integrating theory and practice. *Academy of Management Review*, 13, 471-482.

Eaton, W. W. (2019). Public mental health (2nd ed.). Oxford University Press.

Edgley, R. (2023). The Art of Resilience: Strategies for an Unbreakable Mind and Body. HarperCollins. TheArtofResilience.

Folkman, S., Lopez, S. & Park, C. L. (Eds.). (2024). The Oxford Handbook of Stress, Health, and Coping. Oxford University Press.

Gawdat, M. & Law, A. (2024). Unstressable: A practical guide to stress-free living. XYZ Publisher.

Gottman, J. S. & Schwartz Gottman, J. S. (2024). Fight right: How successful couples turn conflict into connection. Penguin Life.

Gross, J. J. & Ford, B. Q. (Eds.). (2023). Handbook of Emotion Regulation (3rd ed.). Guilford Press.

Haidt, J. (2024). *The Anxious Generation: How the Great Rewiring of Childhood Is Causing an Epidemic of Mental Illness*. New York, NY: Penguin Press.

Hanif, M. I. & Mutakin, Z. (2019). Community empowerment model based on Islamic education institutions. *Al-Hayat: Journal of Islamic Education*, 3(1), 82.

Harper, F. G. (2024). Unfuck your stress: Using science to cope with distress and thrive. ABC Press.

Hassett, A. R. (2006). *Individual, organisational and community empowerment: Applying a community psychology framework to a school development programme* (Unpublished doctoral dissertation). University of the Witwatersrand, Johannesburg.

Haug, M. C. (2024). Rethinking self-control (1st ed.). Routledge.

Hsieh, H.-F. & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content



۱۳۳

- analysis. Qualitative Health Research
- Hsieh, H.-F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. Qualitative Health Research.
- Jason, L. A., Glantsman, O., O'Brien, J. F. & Ramian, K. N. (Eds.) (2019). Introduction to community psychology: Becoming an agent of change. Rebus Press. [Open access].
- Jason, L. A., Stevens, E., Ram, D., Miller, S. A., Beasley, C. R. & Gleason, K. D. (2016). Theories in the field of community psychology. *Global Journal of Community Psychology Practice*, 7(2),105-148.
- Kminiak, E., Senáriková, Z., Candrák, M. & Kozubík, M. (2024). Empowerment–theory, history and current situation in social work: Literature review. *Pomáhajúce profesie*, 7(1), 5-15.
- Kross, E. (2023). Shift: Managing your emotions - so they don't manage you. Penguin Random House.
- Kumar, U. (Ed.) (2025). The Routledge International Handbook of Psychosocial Resilience (2nd ed.). Routledge. TheRoutledgeInternationalHandbookofPsychosocialResilience.
- Kumar, U. (Ed.). (2025). The Routledge International Handbook of Psychosocial Resilience (2nd ed.). Routledge. TheRoutledgeInternationalHandbookofPsychosocialResilience
- Lardier, D. T., Davis, A. N., Verdezoto, C. S., Magliulo, S., Bell, L. M., Herrera, A., Garcia-Reid, P. & Reid, R. J. (2025). Intrapersonal psychological empowerment: Assessing measurement invariance of the Brief Sociopolitical Control Scale for youth between LGBQ+ and non-LGBQ+ youth of color. *American journal of community psychology*, 76(1-2), 35–50.
- Lemos, H. S. C., Mosquera, M. M. & Palacios, A. S. (2024). Psicología comunitaria



۱۳۴

پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی | پاییز و زمستان ۱۴۰۴

y salud mental: una revisión usando Tree of Science. *La Tuerka*, 1(2), 37-46.

Llorente-Alonso, M., García-Ael, C., & Topa, G. (2024). A meta-analysis of psychological empowerment: Antecedents, organizational outcomes, and moderating variables. *Current Psychology*, 43, 1759-1784.

Madsen, O. J. (2023). Life skills and adolescent mental health: Can kids be taught to master life? Routledge .

Malorni, A., Serido, J. & de Ayala, R. J. (2023). Youth sociopolitical development: A conceptual framework linking intrapersonal empowerment to action. *Adolescent Research Review*, 8(4), 451-469.

Martin, C. (2023). How not to kill yourself: A portrait of the suicidal mind. Pantheon Books.

Maseko, M. M., Maunganidze, L., Mambende, B. & Maphosa, S. (2017). The third mental health revolution: Themes, values and methods of Community Psychology and its relevance in Zimbabwean and African cultural contexts. *PINS*, 54(5), 67-89.

Mayring, P. (2014). Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution. Klagenfurt, Austria: Beltz Verlag.

Messman, E., Jacquillat, C. & Penner, F. (2022). Psychological empowerment as a route for positive adjustment during adolescence. *Journal of Adolescence*, 95, 679-691.

Meyer, A. (2023). Mental Health and Wellbeing: The Complete Guide. Washington, DC: The Art of Service. MentalHealthandWellbeing:TheCompleteGuide.

Miguel, M. C., Ornelas, J. H. & Maroco, J. P. (2015). Defining psychological empowerment construct: Analysis of three empowerment scales. *Journal of Community Psychology*.

Neenan, M. (2023). Developing Resilience: A Cognitive-Behavioural Approach (2nd ed.). Routledge. DevelopingResilience.



- Neenan, M. (2023). *Developing Resilience: A Cognitive-Behavioural Approach* (2nd ed.). Routledge. DevelopingResilience.
- Nuwer, R. (2023). *I Feel Love: MDMA and the quest for connection in a fractured world*. Bloomsbury Publishing.
- Pease, A. & Pease, B. (2025). *The definitive guide to relationship skills: Communication, trust, and connection*. Penguin Life.
- Perel, E. (2024). *Relearning intimacy: Skills for sustaining desire in long-term relationships*. Harper Wave.
- Peterson, N. A., Lowe, J. B., Aquilino, M. L. & Schneider, J. E. (2005). Linking social cohesion and gender to intrapersonal and interactional empowerment: Support and new implications for theory. *Journal of Community Psychology*, 33(2), 233-244.
- Peterson, N. A., Lowe, J. B., Hughey, J., Reid, R. J., Zimmerman, M. A. & Speer, P. W. (2006). Measuring the intrapersonal component of psychological empowerment: Confirmatory factor analysis of the Sociopolitical Control Scale. *American Journal of Community Psychology*, 38(2), 287-297.
- Planas-Lladó, A., et al. (2024). Evaluating youth empowerment: Dimensions and indicators grounded in Zimmerman's model. *American Journal of Evaluation*, 45(4), 888-910.
- Rappaport, J. (1987). Terms of empowerment/exemplars of prevention: Toward a theory for community psychology. *American Journal of Community Psychology*, 15(2), 121-148.
- Rashid, T., & Others. (2025). *Strengths-Based Resilience: A Positive Psychology Program [Workbook/Manual]*. (Publisher not specified) Strengths BasedResilience
- Sathar, Z. A. i Kazi, S. (1997). *Women's Autonomy, Livelihood & Fertility: A Study*

of Rural Punjab. Islamabad: Instituto Pakistani de Economia del Desarrollo.

Scheid, T. L. & Wright, E. R. (Eds.). (2017). A handbook for the study of mental health: Social contexts, theories, and systems (3rd ed.). Cambridge University Press.

Schroeder, R. (2024). Simple habits for marital happiness: Practical skills and tools that build a strong, satisfying relationship. CrossLink Publishing.

Simpson, M. (2008). Community benefit tourism initiative- A conceptual oxymoron? *Tour. Manag*, 29, 1-18.

Smith, P. D. & Propst, D. B. (2001) Are topic-specific measures of socio-political control justified? Exploring the realm of citizen participation in natural resource decision making. *J. Community Psychol*, 29, 179-187.

Spreitzer, G. M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement, and validation. *Academy of Management Journal*, 38(5), 1442-1465.

Stephan, J., Gehrmann, J., Sinha, M., Stullich, A., Gabel, F. & Richter, M. (2025). A Scoping Review of Prevention Classification in Mental Health: Examining the Application of Caplan's and Gordon's Prevention Frameworks (2018-2024). *Journal of prevention* (2022), 46(3), 427-454.

Tebes, J. K. (2016). Reflections on the future of community psychology from the generations after Swampscott: A commentary and introduction to the special issue. *American Journal of Community Psychology*, 58, 229.

Teddlie, C. & Tashakkori, A. (2009). *Foundations of mixed methods research: Integrating quantitative and qualitative approaches in the social and behavioral sciences*. Thousand Oaks, CA: Sage.

Thomas, Kenneth & Velthouse, Betty. A. (1990). Cognitive elements of empowerment: An "interpretive" of intrinsic task motivation. *Academy of*



Management Review, 15(4), 666-681.

Wadkar, A. (2024). Life skills for wellbeing and success: A psychological perspective. Routledge India.

Zimmerman, M. A. (1995). Psychological empowerment: Issues and illustrations. *American Journal of Community Psychology*, 23(5), 581-599.

Zimmerman, M. A. (2000). Empowerment theory: Psychological, organizational, and community levels of analysis. In J. Rappaport & E. Seidman (Eds.) , *Handbook of community psychology* (p. 43-63). New York, NY: Plenum Press.

Zimmerman, M. A., Israel, B. A., Schulz, A. & Checkoway, B. (1992). Further explorations in empowerment theory: An empirical analysis of psychological empowerment. *American Journal of Community Psychology*, 20, 707-727.

Zimmerman, M. A., Stewart, S. E., Morrel-Samuels, S., Franzen, S. & Reischl, T. M. (2011). Youth empowerment solutions for peaceful communities: Combining theory and practice in a community-level violence prevention curriculum. *Health promotion practice*, 12(3), 425-439.



۱۳۸

پژوهش نامه روان شناسی اسلامی | پاییز و زمستان ۱۴۰۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی